خبر

ایراد شورای نگهبان به ستاد ویژه فضای مجازی

ستاد تازه، چالش قدیمی!

ابتکار- تشکیل ستاد ویژه ساماندهی و راهبری فضای مجازی کشور در دولت چهاردهم، که قرار بود به هماهنگی بیشتر دستگاه‌های اجرایی کمک کند، اکنون به موضوعی حقوقی تبدیل شده است. فقهای شورای نگهبان با بررسی مصوبات مرتبط با این ستاد، تشکیل آن را به دلیل همپوشانی وظایف با شورای عالی فضای مجازی خلاف شرع تشخیص داده‌اند. این موضوع بار دیگر پرسشی مهم را مطرح کرده است: آیا ایجاد ساختارهای جدید، راه‌حل ناهماهنگی‌های مدیریتی است یا می‌تواند بر پیچیدگی نظام تصمیم‌گیری بیفزاید؟

به گزارش خبرگزاری مهر، دولت در ۲۲ اردیبهشت ۱۴۰۵ تشکیل این ستاد را به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور تصویب کرد. تدوین نقشه راه حکمرانی فضای مجازی، بازآرایی ساختارهای تصمیم‌گیری و نظارت بر عملکرد دستگاه‌ها از جمله مأموریت‌های آن بود؛ وظایفی که بخشی از آنها پیش‌تر در حوزه اختیارات شورای عالی فضای مجازی و مرکز ملی فضای مجازی قرار داشت.

اختلاف درباره حدود اختیارات ستاد، خیلی زود به دیوان عدالت اداری کشیده شد. پنجم خردادماه، هیئت تخصصی مربوط در دیوان دستور موقت توقف اجرای مصوبه را صادر کرد.

دولت در ادامه، اختیارات ستاد را اصلاح کرد و نقش آن را به ارائه پیشنهادها و گزارش‌های کارشناسی به رئیس‌جمهور محدود ساخت. دیوان نیز در ۱۹ خرداد، با توجه به تغییرات صورت‌گرفته، قرار رد شکایت صادر کرد.

بااین‌حال، پایان این مرحله از رسیدگی به معنای تأیید تمامی مأموریت‌های ستاد نبود و بررسی سایر مقررات مرتبط ادامه یافت.

هادی طحان‌نظیف، سخنگوی شورای نگهبان، در گزارش منتشرشده اول آذر اعلام کرد که فقهای شورا تشکیل ستاد را با توجه به جایگاه شورای عالی فضای مجازی و ضرورت پرهیز از نهادهای موازی، خلاف شرع تشخیص داده‌اند.

همچنین تشکیل کمیته راهبری شبکه ملی اطلاعات و برخی تصمیمات مربوط به اسناد این شبکه مورد ایراد قرار گرفت.

در بخش دیگری، مصوبه مربوط به واگذاری تصمیم‌گیری درباره محدودیت گسترده یا قطع سراسری اینترنت به شورای عالی امنیت ملی بررسی شد. ایراد فقهای شورا به شیوه تعیین وظیفه برای این نهاد و ضرورت رعایت ترتیبات قانونی مربوط بود.

برخی احکام مرتبط با محدودسازی فعالیت سکوها و کسب‌وکارهای دیجیتال نیز از منظر تعارض احتمالی با صلاحیت نهادهای بالادستی مورد بررسی قرار گرفت.

ضرورت هماهنگی میان دستگاه‌های مسئول فضای مجازی قابل انکار نیست. تعدد نهادهای اجرایی، پیچیدگی مسائل فنی و ارتباط مستقیم تصمیمات این حوزه با اقتصاد دیجیتال، وجود سازوکاری منسجم را ضروری می‌کند.

بااین‌حال، تفاوت مهمی میان هماهنگ‌سازی فعالیت دستگاه‌ها و ایجاد مرجع تصمیم‌گیری موازی وجود دارد. اگر وظایف یک ستاد با اختیارات نهادهای موجود همپوشانی داشته باشد، احتمال بروز اختلاف، کند شدن تصمیم‌گیری و دشوار شدن پاسخگویی افزایش می‌یابد.

این مسئله برای دولت چهاردهم اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا رئیس‌جمهور هم‌زمان ریاست شورای عالی فضای مجازی را نیز بر عهده دارد و می‌تواند از ظرفیت همین نهاد برای پیگیری هماهنگی‌ها استفاده کند.

پیامدهای این اختلاف صرفاً اداری نیست. تصمیم‌گیری درباره اینترنت، شبکه ملی اطلاعات و فعالیت سکوهای دیجیتال مستقیماً بر کسب‌وکارها، سرمایه‌گذاری و اعتماد فعالان اقتصادی تأثیر می‌گذارد.

فعالان این حوزه نیازمند مقررات روشن و مراجع تصمیم‌گیری مشخص هستند. تغییر مداوم سازوکارها یا تداخل اختیارات می‌تواند پیش‌بینی‌پذیری محیط فعالیت آنان را کاهش دهد. اکنون دیوان عدالت اداری باید در چارچوب نظر فقهای شورای نگهبان درباره مقررات مورد شکایت اقدام کند. نتیجه این فرایند می‌تواند به روشن‌تر شدن حدود اختیارات دستگاه‌های مسئول کمک کند.

در نهایت، ماجرای ستاد ویژه فضای مجازی نشان می‌دهد افزایش تعداد نهادها لزوماً به معنای افزایش کارآمدی نیست. آنچه اهمیت دارد، تعیین مسئولیت‌های روشن، اجرای هماهنگ سیاست‌ها و جلوگیری از تصمیمات متعارض است. مدیریت فضای مجازی بیش از ساختارهای تازه، به قواعد شفاف و پاسخگویی مؤثر نیاز دارد.

«ابتکار» از سخه‌های متفاوت برای یک مشکل مشترک گزارش می‌دهد

از کاپشن پزشکیان تا نسخه گازی قالیباف

گروه سیاسی - ناترازی انرژی در ایران بار دیگر به یکی از مهم‌ترین موضوعات گفت‌وگوی مسئولان تبدیل شده است؛ مسئله‌ای که با نزدیک شدن فصل سرما، نگرانی درباره تأمین گاز، استمرار فعالیت صنایع و پایداری شبکه برق را افزایش داده است. در روزهای اخیر، مسعود پزشکیان با تأکید بر ضرورت صرفه‌جویی، از خاموش کردن چراغ‌های اضافی و استفاده از لباس گرم در خانه سخن گفته و محمدباقر قالیباف نیز اصلاح ساختار انرژی را ضرورتی فوری دانسته است. بااین‌حال، رئیس مجلس معتقد است نقطه آغاز اصلاحات نباید بنزین باشد، بلکه باید از گاز شروع کرد. کنار هم قرار گرفتن این دو موضع، پرسشی اساسی را پیش روی سیاست‌گذاران قرار می‌دهد: آیا عبور از بحران انرژی با تغییر رفتار مصرف‌کنندگان امکان‌پذیر است یا کشور بیش از هر چیز به اصلاحات ساختاری نیاز دارد؟



سخنان پزشکیان و قالیباف فرصتی برای بازنگری در سیاست‌های انرژی فراهم کرده است. صرفه‌جویی مردم ضرورتی انکارناپذیر است، اما نمی‌توان انتظار داشت که تغییر رفتار خانوارها به‌تنهایی پاسخگوی مشکلات انباشته این حوزه باشد

نمایش صرفه‌جویی پزشکیان

پزشکیان در روزهای گذشته تلاش کرده است با اشاره به رفتار شخصی خود، ضرورت صرفه‌جویی را به موضوعی عمومی تبدیل کند. او در سخنانی اعلام کرد که در خانه از لباس گرم استفاده می‌کند و برای کاهش مصرف، وسایل گرمایشی و روشنایی غیرضروری را روشن نمی‌گذارد. رئیس‌جمهور همچنین در نشست هم‌اندیشی با مدیران محلی، مصرف انرژی در ایران را سه برابر میانگین سایر کشورها توصیف کرد و خواستار مشارکت عمومی در اصلاح الگوی مصرف شد. به گزارش ایسنا، پزشکیان تأکید کرده است که نمی‌توان کمبودها و ناترازی‌ها را نادیده گرفت و مسئولان باید واقعیت شرایط را برای مردم توضیح دهند. او معتقد است مشارکت شهروندان می‌تواند بخشی از مشکلات موجود را کاهش دهد. این رویکرد از منظر فرهنگ‌سازی اهمیت دارد. بااین‌حال، اثرگذاری چنین اقداماتی زمانی افزایش می‌یابد که با برنامه‌های اجرایی و نتایج قابل اندازه‌گیری همراه شود.

وقتی بحران فراتر از خانه‌هاست

مسئله اصلی آن است که ناترازی انرژی صرفاً نتیجه مصرف بالای خانوارها نیست. فرسودگی تجهیزات، بهره‌وری پایین برخی صنایع، اتلاف انرژی در شبکه‌های انتقال و توزیع، محدودیت سرمایه‌گذاری و ناکارآمدی بخشی از نظام قیمت‌گذاری نیز در شکل‌گیری شرایط کنونی نقش دارند. ازاین‌رو، درخواست صرفه‌جویی از مردم، هرچند ضروری است، نمی‌تواند جایگزین اصلاح زیرساخت‌ها شود. خانواری که در ساختمان فاقد عایق مناسب زندگی می‌کند، حتی با رعایت توصیه‌های مصرفی نیز ممکن است برای تأمین گرمایش مطلوب به انرژی بیشتری نیاز داشته باشد. در بخش تولید نیز مسئله پیچیده‌تر است. بسیاری از واحدهای صنعتی برای ادامه فعالیت به تأمین پایدار برق و گاز وابسته‌اند و محدودیت انرژی می‌تواند بر تولید، اشتغال و قیمت کالاها تأثیر بگذارد.

بنابراین، مدیریت مصرف باید هم‌زمان با نوسازی تجهیزات، کاهش تلفات و افزایش بهره‌وری دنبال شود؛ در غیر این صورت، بخش مهمی از هزینه ناترازی همچنان بر دوش مصرف‌کنندگان باقی خواهد ماند.

قالیباف؛ اصلاح از گاز، نه بنزین

در سوی دیگر این بحث، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، روز یکشنبه اول آذر بر ضرورت تغییر اولویت‌های سیاست‌گذاری انرژی تأکید کرد. قالیباف در نشست شورای هماهنگی مجلس اعلام کرد که اصلاح انرژی از فوری‌ترین مسائل کشور در شرایط صلح و جنگ است. او با اشاره به سهم ۷۳ درصدی گاز و ۹ درصدی بنزین در سبد انرژی، گفت اصلاحات باید از گاز آغاز شود. این سخنان از آن جهت اهمیت دارد که بحث اصلاح قیمت و مصرف بنزین طی سال‌های گذشته همواره یکی از حساس‌ترین موضوعات اقتصادی و اجتماعی کشور بوده است. از منظر رئیس مجلس، تمرکز بر گاز می‌تواند امکان رسیدگی به بخش بزرگ‌تری از مسئله انرژی را فراهم کند. البته ارقام اعلام‌شده باید در چارچوب تعریف دقیق سبد انرژی بررسی شوند و به‌تنهایی برای تعیین همه اولویت‌های اصلاحی کافی نیستند. بااین‌حال، اصل توجه به سهم بالای گاز در تأمین انرژی کشور، ضرورت بررسی ساختار مصرف و اتلاف این حامل را برجسته می‌کند.

دو روایت، یک مسئله مشترک

در نگاه نخست، سخنان پزشکیان و قالیباف ممکن است دو رویکرد متفاوت به نظر برسند؛ یکی بر رفتار مصرف‌کننده تأکید دارد و دیگری بر اولویت‌بندی اصلاحات ساختاری. اما این دو دیدگاه الزاماً متعارض نیستند. اصلاح الگوی مصرف بدون مشارکت مردم دشوار است و اصلاح ساختار انرژی نیز بدون تصمیم‌های کلان دولت و مجلس امکان‌پذیر نخواهد بود. مسئله زمانی شکل می‌گیرد که یکی از این دو رویکرد جای دیگری را بگیرد. اگر سیاست‌گذاری تنها به توصیه‌های فردی محدود شود، مشکلات زیرساختی پابرجا می‌مانند. در مقابل، اجرای اصلاحات اقتصادی بدون توجه به شرایط معیشتی و همراهی اجتماعی نیز می‌تواند با دشواری روبه‌رو شود. از همین رو، هماهنگی دولت و مجلس در تعیین اولویت‌ها، شیوه اجرا و حمایت از خانوارهای آسیب‌پذیر اهمیت ویژه‌ای دارد.

صنعت نباید قربانی ناترازی شود

یکی از نکات مهم سخنان پزشکیان، تأکید بر جلوگیری از قطع برق و سوخت واحدهای تولیدی است. رئیس‌جمهور گفته است که استمرار فعالیت صنایع باید در اولویت قرار گیرد و تولیدکنندگان نیز موظف‌اند انرژی را بهینه مصرف کنند. این موضع از منظر اقتصادی اهمیت دارد؛ زیرا محدودیت انرژی در صنایع می‌تواند زنجیره‌ای از پیامدها، از کاهش تولید تا افزایش هزینه‌ها و فشار بر اشتغال، ایجاد کند.

بااین‌حال، تحقق چنین هدفی نیازمند برنامه‌ای فراتر از توصیه‌های عمومی است. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش بازده نیروگاه‌ها، بهینه‌سازی مصرف صنعتی و مدیریت تقاضا در ساعات اوج مصرف از جمله اقداماتی هستند که می‌توانند فشار بر شبکه را کاهش دهند. همچنین باید مشخص شود هزینه اجرای اصلاحات چگونه میان دولت، بنگاه‌ها و مصرف‌کنندگان توزیع خواهد شد تا بنگاه‌های تولیدی با فشار مضاعف مواجه نشوند.

اعتماد عمومی؛ حلقه مفقوده اصلاحات

اصلاحات انرژی علاوه بر ابعاد فنی و اقتصادی، به اعتماد عمومی نیاز دارد. مردم زمانی با برنامه‌های صرفه‌جویی همراهی بیشتری خواهند کرد که بدانند مشارکت آنها چه نتیجه‌ای دارد و دستگاه‌های اجرایی نیز سهم خود را در کاهش اتلاف انرژی انجام می‌دهند. برای مثال، انتشار گزارش‌های دوره‌ای درباره میزان صرفه‌جویی در ساختمان‌های دولتی، کاهش تلفات شبکه و پیشرفت پروژه‌های بهینه‌سازی می‌تواند به افزایش شفافیت کمک کند. همچنین ضروری است سیاست‌های حمایتی به‌گونه‌ای طراحی شوند که خانوارهای کم‌درآمد، به‌ویژه ساکنان ساختمان‌های فرسوده، بیشترین هزینه اصلاحات را نپردازند. در چنین شرایطی، خاموش کردن چراغ اتاق رئیس‌جمهور می‌تواند نمادی از مشارکت مسئولان باشد، اما اعتماد عمومی زمانی تقویت می‌شود که این نماد به تغییرات ملموس در مدیریت منابع منتهی شود.

از توصیه تا برنامه ملی

ناترازی انرژی مسئله‌ای نیست که در یک زمستان ایجاد شده باشد یا بتوان آن را با چند اقدام کوتاه‌مدت برطرف کرد. عبور از این وضعیت نیازمند برنامه‌ای چندساله، سرمایه‌گذاری هدفمند و تقسیم مسئولیت روشن میان دستگاه‌های اجرایی است. دولت باید مشخص کند چه میزان کاهش مصرف از مسیر فرهنگ‌سازی امکان‌پذیر است و چه بخشی به اصلاح زیرساخت‌ها وابسته خواهد بود. مجلس نیز می‌تواند با نظارت بر اجرای برنامه‌ها و فراهم کردن بستر قانونی مناسب، به تحقق این اهداف کمک کند. در نهایت، سخنان پزشکیان و قالیباف فرصتی برای بازنگری در سیاست‌های انرژی فراهم کرده است. صرفه‌جویی مردم ضرورتی انکارناپذیر است، اما نمی‌توان انتظار داشت که تغییر رفتار خانوارها به‌تنهایی پاسخگوی مشکلات انباشته این حوزه باشد. ایران برای عبور از ناترازی، هم به چراغ‌های خاموش در اتاق‌های غیرضروری نیاز دارد و هم به روشن شدن مسیر اصلاحات ساختاری. تفاوت اصلی در آن است که اولی می‌تواند از همین امروز آغاز شود، اما دومی به تصمیم‌های دشوار، برنامه‌های دقیق و پاسخگویی مستمر مسئولان وابسته است.

«ابتکار» از علت تعطیل شدن نشست علنی مجلس گزارش می‌دهد

تبلت رسایی؛ آزمون قانون و نظم پارلمانی

قرار بود نشست علنی وبیناری مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه اول آذر، با حضور نمایندگان در صحن و ارتباط برخط دیگر اعضا برگزار شود؛ اما پیش از آغاز رسمی جلسه، اختلاف بر سر غیرفعال بودن تبلت نمایندگی حمید رسایی، روند کار را متوقف کرد. ماجرا در ظاهر به یک ابزار الکترونیکی مربوط بود، ولی در عمل پرسش‌های مهم‌تری درباره حدود حقوق نمایندگی، نحوه اجرای تصمیم‌های قضایی و مسئولیت نمایندگان در حفظ نظم مجلس ایجاد کرد.

اعتراض پیش از آغاز جلسه

شماری از نمایندگان نسبت به فعال نبودن سامانه نمایندگی رسایی اعتراض کردند و خواستار رفع محدودیت شدند. در گزارش‌های دیگر، نام مهدی کوچک‌زاده، علی خضریان و حامد یزدیان نیز در میان معترضان آمده است. گفته می‌شود اعتراض‌ها با افزایش سروصدا همراه شد و حتی تلاش مرتضی آقاتهرانی برای آرام کردن فضا نتیجه نداد. سرانجام هیئت‌رئیسه به ریاست علی نیکزاد تصمیم گرفت نشست را برگزار نکند؛ تصمیمی که با هدف حفظ شأن مجلس توضیح داده شد. آنچه روشن است، اختلافی حل‌نشده پیش از شروع نشست به توقف فعالیت جمعی نمایندگان انجامید.

ابهام حقوقی پشت یک ابزار دیجیتال

تبلت نمایندگی صرفاً وسیله‌ای برای مشاهده اسناد نیست؛ دسترسی به سامانه‌های مشارکت و رأی‌گیری نیز به آن وابسته است. بنابراین غیرفعال بودن آن می‌تواند پرسش‌هایی درباره امکان انجام وظایف نمایندگی ایجاد کند. در مقابل، وضعیت قضایی رسایی نیز مسئله را از یک اختلاف فنی فراتر برده است. او پس از محکومیت قضایی به زندان رفته و بنا بر گزارش‌ها هنگام وقوع این ماجرا در مرخصی بوده است.

حمیدرضا حاجی‌بابایی، نایب‌رئیس مجلس، پیش‌تر اعلام کرده بود درباره امکان استفاده رسایی از ابزار نمایندگی از قوه قضائیه استعلام شده، اما پاسخ آن هنوز به هیئت‌رئیسه نرسیده است. همین نکته نشان می‌دهد اختلاف بر سر یک تصمیم اداری ساده نیست؛ تعیین حدود فعالیت نماینده در چنین وضعیتی نیازمند تفسیر روشن مقررات و پاسخ مرجع صلاحیت‌دار است.

حق اعتراض و مسئولیت جمعی

نمایندگان حق دارند درباره تصمیم‌های هیئت‌رئیسه توضیح بخواهند، تذکر دهند و خواستار رعایت حقوق همکار خود شوند. بااین‌حال، شیوه طرح اعتراض اهمیت دارد. هنگامی که موضوعی فردی مانع آغاز جلسه‌ای با حدنصاب قانونی می‌شود، پرسش درباره تناسب روش اعتراض با مسئولیت عمومی نمایندگی مطرح خواهد شد.

تسنیم به نقل از منابع پارلمانی گزارش داده که برخی نمایندگان پیشنهاد کرده بودند اعتراض از مسیر اخطار آیین‌نامه‌ای یا قانون اساسی دنبال شود. این مسیرها برای آن طراحی شده‌اند که اختلافات بدون توقف کار نهاد قانون‌گذاری بررسی شوند. بهره‌گیری از آنها نه به معنای نادیده گرفتن اعتراض، بلکه تلاشی برای جمع میان حق بیان مخالفت و ضرورت ادامه کار مجلس است.

هزینه پنهان یک جلسه برگزارنشده

تعطیلی یک نشست فقط حذف چند ساعت گفت‌وگو از تقویم مجلس نیست. دستورکارهای بررسی‌نشده باید به زمان دیگری منتقل شوند، هماهنگی نمایندگان حضوری و برخط بی‌نتیجه می‌ماند و رسیدگی به مسائل عمومی به تعویق می‌افتد. در شرایطی که کشور با موضوعات اقتصادی، معیشتی و انرژی روبه‌رو است، حساسیت نسبت به زمان نهاد قانون‌گذاری بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، چنین رخدادهایی بر برداشت عمومی از کارآمدی مجلس اثر می‌گذارد. شهروندان انتظار دارند اختلاف‌های داخلی از مسیر قواعد روشن حل شود و فعالیت یک نهاد ملی به موضوعی حل‌نشده درباره یک عضو وابسته نماند.

آزمون هیئت‌رئیسه و ضرورت شفافیت

در این میان، مسئولیت هیئت‌رئیسه نیز قابل توجه است. اعلام به‌موقع وضعیت استعلام، توضیح مستند درباره مبنای غیرفعال بودن سامانه و تعیین روالی مشخص برای رسیدگی به اعتراض‌ها می‌تواند از تکرار تنش جلوگیری کند. اگر پاسخ قضایی هنوز نرسیده است، روشن شدن وضعیت موقت و حدود اختیارات مجلس اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. همچنین انتشار توضیح رسمی درباره علت لغو نشست و سرنوشت دستورکار آن، امکان ارزیابی دقیق‌تر تصمیم هیئت‌رئیسه را فراهم خواهد کرد. شفافیت در این موضوع نه علیه نماینده معترض است و نه علیه مدیریت مجلس؛ بلکه راهی برای حفظ اعتماد عمومی به سازوکارهای پارلمانی محسوب می‌شود.

فراتر از تبلت رسایی

ماجرای یکشنبه نشان داد که فناوری رأی‌گیری، هنگامی که با مسئله حقوقی حل‌نشده پیوند می‌خورد، می‌تواند به موضوعی سیاسی و نهادی تبدیل شود. راه خروج از این وضعیت، نه بی‌اعتنایی به اعتراض است و نه پذیرش توقف جلسات به‌عنوان شیوه حل اختلاف. پاسخ روشن حقوقی، رعایت آیین‌نامه و گفت‌وگوی درون‌پارلمانی می‌تواند از تبدیل اختلافات فردی به اختلال در کار جمعی جلوگیری کند.

در نهایت، مجلس بیش از هر چیز به قواعدی نیاز دارد که برای همه نمایندگان یکسان، قابل پیش‌بینی و قابل اجرا باشد. شأن مجلس تنها با لغو جلسه‌ای پرتنش حفظ نمی‌شود؛ استمرار منظم جلسات، رسیدگی شفاف به اختلافات و پاسخگویی درباره تصمیم‌ها نیز بخشی از همان شأن است. پرونده تبلت رسایی می‌تواند فرصتی برای روشن شدن این قواعد باشد، به شرط آنکه حاشیه امروز به مسئله تکرارشونده فردا تبدیل نشود.

خبر

پزشکیان مطرح کرد

ضرورت خروج با اقتدار از وضعیت نه جنگ و نه صلح

رئیس‌جمهوری با اشاره به اینکه قرار گرفتن در وضعیت «نه جنگ و نه صلح» زیان‌بار است، تصریح کرد: ضرورت دارد هرچه سریع‌تر با عزت و اقتدار از این وضعیت که نوعی بلاتکلیفی است، خارج شویم؛ زیرا کشورمان در جغرافیایی قرار دارد که مملو از سرمایه‌های معدنی و ذخایر به ارزشمندی طلا است و با روشن شدن منطقی تکلیف وضعیت نه جنگ و نه صلح، می‌توان بسیاری از مشکلات را حل کرد.

مسعود پزشکیان شامگاه شنبه ۳۰ آبان‌ماه در نشست هم‌اندیشی با منتخبین استانداران، فرمانداران، شهرداران، بخشداران و شوراهای شهر با محوریت «حکمرانی هم‌افزا در حوزه مدیریت بهینه سوخت و انرژی»، با اشاره به اینکه چنانچه اراده کنیم می‌توانیم برای مشکلات جاری کشور راه‌حل بیابیم، اظهار کرد: در مواجهه با مشکلات باید نگاهی واقع‌بینانه داشته باشیم و نمی‌توان ناترازی‌ها و کمبودها را نادیده گرفت یا کتمان کرد؛ چراکه مردم آنها را درک می‌کنند. رئیس‌جمهوری با تأکید بر اینکه برقراری ارتباط و گفت‌وگو با مردم در حکمرانی کشور، موضوعی اساسی و الزام‌آور برای افزایش تاب‌آوری اجتماعی است، ادامه داد: از راهکارهای اصولی در مدیریت کلان کشور، تبیین و تشریح شرایط پیچیده و سخت کنونی برای اقشار مختلف مردم است؛ چراکه هر فرد می‌تواند یک گام در مسیر اصلاح الگوی مصرف بردارد. چنانچه دست به دست یکدیگر بدهیم، می‌توانیم مشکلات و مسائل جاری کشور را حل کنیم. پزشکیان خطاب به اعضای حاضر در این نشست هم‌اندیشی، بر ضرورت مداخله مؤثر نخبگان و جوامع دانشگاهی تأکید کرد و گفت: در مسیر حمایت مستمر از تولید و از طریق اصلاح الگوی مصرف سوخت و انرژی، چنانچه هر فردی ایده قابل اجرا و طرح عملی دارد، بدون تکیه صرف بر بخشنامه یا دستورالعمل آن را اجرا کند؛ البته چنانچه برای تسهیل امور به بخشنامه نیاز باشد، آن را ابلاغ خواهیم کرد. در فرایند ارائه طرح‌های قابل اجرا نیز می‌توان از تجربه‌های موفق جهانی در زمینه مدیریت بهینه انرژی و چگونگی افزایش بهره‌وری سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی الگوبرداری کرد. عمیقاً معتقدم با مدیریت درست می‌توان کسری‌ها را کاهش داد و به‌تدریج انرژی مورد نیاز را ذخیره کرد. رئیس‌جمهوری حمایت از تولید و صنعتگران را از اولویت‌های اساسی دولت برشمرد و تصریح کرد: هیچ‌گاه نباید برق و سوخت مورد نیاز واحدهای تولیدی و صنایع را قطع کرد. صاحبان واحدهای تولیدی نیز باید سوخت و انرژی مورد نیاز خود را به‌درستی مصرف کنند. ضرورت دارد صادرکنندگان در روند فعالیت‌های خود از برق سبز که در بورس عرضه می‌شود، استفاده کنند؛ زیرا برق سهمیه‌ای باید به نیازمندان اختصاص یابد. وی ادامه داد: هر یک از مسئولان اجرایی کشور در جایگاهی که قرار دارند، می‌توانند از اختیارات لازم برای مدیریت بهینه مصرف سوخت و انرژی بهره‌مند شوند تا از استمرار زنجیره تولید پشتیبانی کنند. با وجود ناترازی‌ها حاکمیت نباید اجازه دهد شرکت‌ها و بنگاه‌های زیان‌ده به فعالیت خود ادامه دهند؛ بنابراین فرایندها در این دستگاه‌ها باید به‌درستی اصلاح شود. همچنین چنانچه مدیری وجود دارد که نمی‌تواند مدیریت هزینه‌اثربخش داشته باشد، ضرورت دارد مطابق قوانین و مقررات با وی برخورد شود. نباید هزینه ناتوانی مدیریتی برخی افراد را دولت بپردازد. رئیس‌جمهوری با بیان اینکه دشمنان به دنبال آن هستند که با قطع زنجیره تولید، بیکاری و سایر مسائل، نارضایتی‌ها را در کشور ایجاد کنند، تأکید کرد: با اصلاح الگوی مصرف، ملت ایران خواب آنها را آشفته و دشمنان ناامید خواهند کرد. بهره‌مندی از ظرفیت محله‌ها، بسیج و مسجدمحوری نیز از راهکارهای مؤثر در حوزه اصلاح الگوی مصرف و فرهنگ‌سازی است.

رئیس‌جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه قرار گرفتن در وضعیت «نه جنگ و نه صلح» زیان‌بار است، افزود: ضرورت دارد هرچه سریع‌تر باعزت و اقتدار از این وضعیت که نوعی بلاتکلیفی است، خارج شویم؛ زیرا کشورمان در جغرافیایی قرار دارد که مملو از سرمایه‌های معدنی و ذخایر به ارزشمندی طلا است. بنابراین، با روشن‌شدن منطقی تکلیف وضعیت نه جنگ و نه صلح، می‌توان بسیاری از مشکلات را حل کرد.

پزشکیان تاکید کرد: چنانچه مدیریت‌ها در عرصه‌های مختلف حکمرانی مطابق با اصول اساسی باشد، می‌تواند از بروز سوءاستفاده، رانت و قاچاق جلوگیری کند. علاوه بر این با نظارت و راهکارهای دقیق باید جلوی قاچاق سوخت یا عرضه نامتعارف نان و گندم را گرفت؛ زیرا برخی داده‌ها نشان می‌دهد ۶۰ هزار نفر بین یک تا ۱۵ تن نان خریداری کرده‌اند که فراتر از مصرف عادی است و برخی از این افراد، این نان را به مصرف خوراک دام و احشام رسانده‌اند.

سرمقاله

«شنژن » و آزمون اجماع قدرت‌های بزرگ

ادامه از صفحه یک

نکته مهم این است که این نشست نخستین دیدار سه‌جانبه رهبران چین، آمریکا و روسیه بوده است. پیش از آن، سه کشور عمدتاً از طریق مذاکرات دوجانبه یا در چارچوب نهادهای چندجانبه با یکدیگر تعامل داشتند. بنابراین، شکل‌گیری یک قالب سه‌جانبه، هرچند ابتدایی و فاقد سازوکار اجرایی، می‌تواند آغازگر تغییری در معماری دیپلماسی بزرگ‌قدرت‌ها تلقی شود. می توان این نشست را «شنژن برای روابط قدرت‌های بزرگ» نامید. این تعبیر نشان می‌دهد که نشست نباید به‌عنوان تکرار کنفرانس یالتا در سال ۱۹۴۵ تفسیر شود؛ زمانی که متفقین پس از جنگ جهانی دوم جهان را به حوزه‌های نفوذ تقسیم کردند. در نشست شنژن، سه رهبر نه ادعایی برای بازتقسیم جهان مطرح کردند و نه سازوکاری برای اجرای تصمیمات مشترک ایجاد کردند. بلکه بیش از آنکه به دنبال توافق‌های الزام‌آور باشند، بر ضرورت گفت‌وگو و همکاری در مسائل مشترک تأکید کردند. در اینجا لازم است تا چهاربند این اعلامیه صلح که ما حصل این نشست سه جانبه برای معماری چهارچوب امنیتی وصلح پایدار در منطقه بوده است را باهم مرور کنیم : اعلامیه صلح شنژن چهار محور اصلی را در بر می‌گیرد که هر یک بازتاب منافع و اولویت‌های راهبردی سه کشور است:

نخست، اصلاح سازمان ملل متحد. این محور عمدتاً بازتاب خواستهچین برای تقویت نقش سازمان ملل و افزایش نمایندگی کشورهای در حال توسعه و «جنوب جهانی» در نهادهای بین‌المللی است. پکن سال‌هاست از اصلاح شورای امنیت و نهادهای مالی بین‌المللی سخن می‌گوید و تلاش می‌کند تصویر خود را به‌عنوان مدافع کشورهای در حال توسعه تقویت کند. آمریکا و روسیه نیز به‌طور کلی با اصلاح سازمان ملل موافق‌اند، هرچند برداشت‌شان از «اصلاح» ممکن است متفاوت باشد.

دوم، افزایش تولید و عرضه فرآورده‌های نفتی پالایش‌شده برای حفظ ثبات بازار انرژی. این بخش از اعلامیه احتمالاً مهم‌ترین دستاورد عملی برای ترامپ بوده است. آمریکا خواهان تثبیت بازار انرژی و حمایت از صنعت داخلی خود است؛ روسیه به دنبال گسترش صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی است؛ و چین، به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکنندهانرژی جهان، به دنبال تأمین پایدار انرژی و بهره‌گیری از ظرفیت پالایشی گستردهخود است. هم‌راستایی منافع سه کشور در این حوزه، امکان همکاری عملی را نسبت به سایر محورها بیشتر می‌کند.

سوم، تأکید بر اصل رضایت دولت‌ها و مصونیت مقامات دولتی، همراه با انتقاد از سوءاستفادهدیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و نهادهای مشابه. این محور بازتاب نگرانی مشترک سه کشور از گسترش صلاحیت نهادهای قضایی بین‌المللی است. هر سه کشور یا عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیستند یا با برخی اقدامات آن مخالفت کرده‌اند. برای پوتین، این موضوع اهمیت شخصی نیز دارد، زیرا دیوان کیفری بین‌المللی پیش‌تر حکم بازداشت او را صادر کرده است. با این حال، از منظر حقوقی، اعلامیهمشترک نمی‌تواند صلاحیت دیوان را لغو کند و تأثیر آن بیشتر نمادین است

چهارم، تأیید دوباره‌این اصل که «جنگ هسته‌ای برنده‌ای ندارد و هرگز نباید رخ دهد»، همراه با توافق بر اصل گفت‌وگو برای کاهش خطرات هسته‌ای و پیشگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای. این بخش از اعلامیه از منظر نمادین اهمیت دارد، زیرا سه قدرت هسته‌ای بر لزوم پرهیز از جنگ هسته‌ای تأکید کرده‌اند. اما در عمل، فاصلهمیان زرادخانههسته‌ای چین و زرادخانه‌های آمریکا و روسیه بسیار زیاد است و چین حاضر نشده است به مذاکرات خلع سلاح راهبردی آمریکا و روسیه بپیوندد. بنابراین، توافق بر «گفت‌وگو» با تعهد به «کاهش زرادخانه» تفاوت ماهوی دارد.

چین برنده چندجانبه نشست شنژن:

پر منفعت بودن این نشست برای پکن درای ۳ وجه است : نخست، برگزاری نخستین نشست سه‌جانبه رهبران چین، آمریکا و روسیه در خاک چین و با میزبانی پکن، نمادی از جایگاه چین به‌عنوان بازیگر راهبردی بزرگ جهانی است. پکن توانسته است خود را در نقش میانجی و پل ارتباطی میان واشینگتن و مسکو معرفی کند؛ نقشی که در سال‌های اخیر به‌دلیل روابط نزدیک چین و روسیه و نیز توانایی چین در گفت‌وگو با آمریکا تقویت شده است. دوم، صدور اعلامیهمشترک با محتوای تقریباً یکسان از سوی سه کشور، نشان می‌دهد که چین توانسته است دست‌کم در سطح اصول، اجماعی میان دو رقیب اصلی خود ایجاد کند. این دستاورد از منظر دیپلماتیک ارزشمند است، زیرا چین سال‌هاست تلاش می‌کند تصویر خود را به‌عنوان مدافع صلح، ثبات و حکمرانی چندجانبه تقویت کند. سوم، محتوای اعلامیه نیز عمدتاً با اولویت‌های چین هم‌راستاست. اصلاح سازمان ملل، تأکید بر حاکمیت ملی و مصونیت مقامات دولتی، و مخالفت با نهادهای قضایی بین‌المللی، همگی در راستای مواضع دیرینهپکن هستند. حتی محور انرژی نیز به نفع چین است، زیرا پکن به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکنندههنفت جهان، از هرگونه تلاش برای تثبیت بازار انرژی استقبال می‌کند.با این حال، باید توجه داشت که «برنده بودن» چین در این نشست لزوماً به معنای دستیابی به اهداف راهبردی بلندمدت نیست. اگر اعلامیه به اقدام عملی تبدیل نشود، ارزش نمادین آن نیز به‌مرور کاهش می‌یابد. علاوه بر این، چین باید مراقب باشد که نزدیکی آمریکا و روسیه به تقویت موقعیت واشینگتن در برابر پکن منجر نشود؛ نگرانی‌ای که ترامپ با هدف کاهش وابستگی پوتین به چین دنبال می‌کند. برای ترامپ، نشست شنژن فرصتی برای نمایش توانایی دیپلماتیک و دستاوردی در حوزهانرژی بود. او پیش‌تر تلاش کرده بود روابط آمریکا و روسیه را بهبود بخشد و پوتین را از وابستگی به چین دور کند. دیدار مستقیم با پوتین در حاشیهاَپک، هرچند به توافق آتش‌بس در اوکراین نرسید، اما نشان داد که واشینگتن همچنان کانال ارتباطی مستقیمی با مسکو دارد. همچنین برای پوتین، نشست شنژن فرصتی برای شکستن انزوای دیپلماتیک و کسب مشروعیت بین‌المللی بود. حضور او در کنار رهبران دو قدرت بزرگ جهانی، پیامی روشن به جامعهبین‌المللی می‌فرستد: روسیه همچنان بازیگری مهم در نظم جهانی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. علاوه بر این، پوتین امیدوار است گفت‌وگوی مستقیم با ترامپ به او اهرم بیشتری در مذاکرات بعدی دربارهاوکراین بدهد. این حال، روسیه در موقعیت ضعیف‌تری نسبت به دو کشور دیگر ق